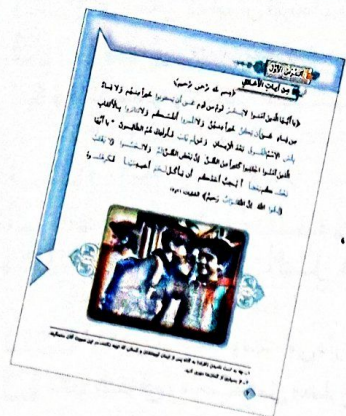




﴿...يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ...﴾ (الْحُجُرَات: ١٢)
منادا فعل و فاعل فعل و فاعل مفعول ج.م

ترجمه ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

کالبر شکاف: «آمنوا» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. فعل «آمنَ» در اصل «أَمَنَ» بوده که برای تلفظ راحت‌تر به شکل «آمَنَ» درآمده است. مصدر این فعل «إیمان» است. • «اجْتَنِبُوا» فعل امر ثلاثی مزید از باب «إفْعَال» است. • در هر دو فعل «آمنوا» و «اجْتَنِبُوا»، فاعل ضمیر بارز (آشکار) «واو» است. • «ظَنٌّ» در این آیه مفرد است، اما بنا بر شرایط جمله، به صورت جمع ترجمه شده است.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾
منادا فعل و فاعل فعل فاعل ج.م

ترجمه ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی، گروه دیگری را مسخره کنند، شاید آن‌ها (مسخره‌شدگان) بهتر از خودشان (مسخره‌کنندگان) باشند.

کالبر شکاف: «لا» انتهای فعل «يَسْخَرُ» را ساکن کرده؛ پس نهی است. در ترجمه «لا» نهی اگر صیغه فعل، غایب و متکلم باشد، غالباً از لفظ «نبايد» استفاده می‌کنیم، اما اگر صیغه فعل مورد نظر مخاطب باشد، در ترجمه آن از «نبايد» استفاده نمی‌کنیم. • «يَكُونُوا يَكُونُونَ» مضارع «كَانَ» است که با حرف «أَن» آمده و به صورت التزامی (باشند) ترجمه شده است. • «خَيْرًا» در این عبارت، معنای «بهتر» دارد و اسم تفضیل است.

• فعل «يَسْخَرُ» غالباً با حرف اضافه «مِن» می‌آید اما این حرف ترجمه نمی‌شود. **مثال:** سَخِرَ هَذَا الطَّالِبُ مِنْ صَدِيقِهِ: این دانش‌آموز دوستش را مسخره کرد.

﴿وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ﴾
معطوف ج.م

ترجمه و زنانی، زنان دیگر را [نبايد مسخره کنند]؛ شاید آن‌ها (مسخره‌شدگان) از خودشان (مسخره‌کنندگان) بهتر باشند.

کالبر شکاف: یک نوع از «لا» در عربی وجود دارد که به آن «لا» عطف می‌گویند و بین دو اسم می‌آید. «لا» در قبل از «نساء» از همین نوع است.

مثال: هو تاجر لا شاعر؛ او تاجر است نه شاعر.

• «يَكُنَّ» مضارع «كَانَ» است به معنی «باشند». دقت کنید که این فعل، فاعل و مفعول ندارد و به جای آن اسم و خبر دارد که نیازی به دانستن آن‌ها ندارید.

﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾
فعل و فاعل مفعول م.اليه فعل و فاعل ج.م

ترجمه و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.

کالبر شکاف: «لا تَلْمِزُوا» و «لا تَنَابَزُوا» هر دو فعل نهی می‌باشند. • «أَنْفُسُ» جمع مکسر «نَفْس» است. بد نیست بدانید که «نَفْس» جزء مؤنث‌های معنوی می‌باشد. • «تَنَابَزَ» فعل ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُل» است. این فعل در اصل «لَا تَتَنَابَزُوا» بوده که برای تلفظ راحت‌تر «تَنَابَزُوا» اول حذف شده است. • در ترجمه فعل‌های باب «تَفَاعُل»، معمولاً از «یکدیگر، همدیگر» استفاده می‌کنیم. **مثال:** كَاتَبَ الصَّدِيقَانِ: دو دوست با یکدیگر نامه‌نگاری کردند.

• ضمائر متصل به اسم همواره نقش مضاف‌الیه دارند. **مثال:** کتابی • مدرستنا م.اليه م.اليه

﴿يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّبِعُوا الرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ﴾
قید م.اليه ادات شرط فعل شرط جواب شرط

ترجمه چه بد است نامیدن [افراد] بدگناه پس از ایمان آوردنشان و کسانی که توبه نکنند، در این صورت آنان ستمگرند.

کالبر شکاف: اسم معرفه «ال» (دار) بعد از «نِعَمَ» خوب است و «يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا» را می‌توان به صورت نکره (همراه با «یک» و «ی») ترجمه کرد.

مثال: نِعَمَ الصَّدِيقُ الصَّادِقُ: راستگو، خوب دوستی است (دوست خوبی است).

• برخی از اسم‌ها در عربی دائم‌الاضافه‌اند؛ یعنی اسم بعد از آن‌ها همواره مضاف‌الیه است. مهم‌ترین اسم‌های دائم‌الاضافه در عربی عبارت‌اند از: كَلٌّ، بَعْضٌ، جَمِيعٌ، عِنْدٌ، قَبْلٌ، بَعْدٌ، تَحْتَ، مَعَ و... **مثال:** أَحَبُّ كُلِّ دَرَسٍ. م.اليه

• جواب شرط^۱ این عبارت، کُلُّ جمله اسمیه است که «اولئك» مبتدا و «الظَّالِمُونَ» خبر آن می‌باشند. • گاهی بین مبتدا و خبر، یک ضمیر منفصل (جدا) می‌آید که صرفاً جهت تأکید بر روی جمله است و نقش ندارد.

مثال: اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ. مبتدا خبر

۱. در درس‌های بعد با کاربرد «أَن» آشنا خواهیم شد. فعلاً در همین حد بدانید که معنای فعل بعد را تبدیل به مضارع التزامی می‌کند.
۲. در درس بعد با جملات شرطی آشنا می‌شویم.

یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثم م. الیه
فعل و فاعل فعل و فاعل مفعول ج. م

ترجمه ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید؛ همانا برخی گمان‌ها گناه است.
کالبر شکاف: جمله بعد از «إن» یک نوع جمله اسمیه به شمار می‌رود که دانستن قواعد آن، جزء اهداف آموزشی کتاب شما نیست.

و لا تجسسوا ولا یفتب بعضکم بعضاً
فعل و فاعل فعل م. الیه مفعول

ترجمه و جاسوسی نکنید و نباید غیبت یکدیگر را بکنید.
کالبر شکاف: «لا تجسسوا» و «لا یفتب» هر دو فعل نهی هستند. اصطلاح «بعض... بعض» را معمولاً به شکل «یکدیگر» ترجمه می‌کنیم.

أیحب أخذکم أن یأکل لحم أخیه میتاً فکرمهتموه
فعل فاعل م. الیه مفعول م. الیه
فعل و فاعل مفعول

ترجمه آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است بخورد؟ پس این کار را ناپسند داشته‌اید.
کالبر شکاف: «یحب» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. «أحب، یحب، إحب» کلمات پرسشی همگی اسم هستند به جز «هل» و «ا» که حرف محسوب می‌شوند. مرجع فعل «یاکل»، «أحد» است؛ در نتیجه فاعل آن درون خودش است (مستتر) و اسم بعد از این فعل، مفعول می‌باشد.

و اتقوا الله إن الله تواب رحیم (البحر: ۱۱ و ۱۲)
فعل و فاعل مفعول

ترجمه و از خدا پروا کنید. همانا خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.
کالبر شکاف: «اتقوا» فعل امر از باب «إفعال» است. فعل‌هایی که با «تذ، نذ، اذ» شروع می‌شوند، از باب «إفعال» هستند.
• «تواب» اسم مبالغه است و در ترجمه اسم مبالغه وصفی (بسیاری صفت)، از «بسیار» استفاده می‌کنیم. مثال: غفار: بسیار آمرزنده • علامه: بسیار دانا

قد یكون بین الناس من هو أحسن منا
قید م. الیه مبتدا خبر ج. م

ترجمه گاهی میان مردم کسی می‌باشد که از ما بهتر است،
کالبر شکاف: «بین» جزء دائم‌الاضافه هاست و بعد از آن همیشه مضاف الیه می‌آید. • «أحسن» اسم تفضیل است و چون بعد از آن «من» آمده، پس با «تر» ترجمه شده است. • «منا» در اصل «من + نا» بوده که به شکل «منا» درآمده است. • «قد» به همراه فعل مضارع، به صورت «گاهی، شاید» ترجمه می‌شود، ولی اگر با فعل ماضی بیاید، معنای فعل را تبدیل به «ماضی نقلی» می‌کند. مثال: قد یدهب: گاهی می‌رود، شاید برود / قد ذهب: رفته است

فعلینا أن نبعد عن العجب وأن لا نذكر غیوب الآخرين بکلام خفی أو بإشارة
ج. م فعل و فاعل ج. م فعل و فاعل مفعول م. الیه ج. م صفت ج. م

ترجمه پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پوشیده یا با اشاره‌ای ذکر نکنیم.
کالبر شکاف: حرف جز «علی» به همراه ضمیر یا اسم (انسان) در ابتدای جمله معنای «باید»، «لازم است»، «واجب است» دارد. مثال: علیک الصبر: تو باید صبر کنی، صبر بر تو واجب است. • با حرف «أن» در درس‌های بعد آشنا می‌شویم، اما بدانید که با فعل مضارع می‌آید و معنای آن را تبدیل به «مضارع التزامی» می‌کند.
مثال: أن یدهب: که برود. • «نبعد» یک فعل مضارع از باب «إفعال» است. • «آخر» به معنای «دیگر» و اسم تفضیل است؛ آن را با «آخر» به معنای «پایان» که اسم فاعل است، اشتباه نگیرید. • «إشارة» مصدر باب «إفعال» است. (أشار، یُشير، إشارة)

فقد قال أمیر المؤمنین علی (علیه السلام): «أکبر العیب أن تعیب ما فیک مثله»
فعل فاعل م. الیه مبتدا
فعل و فاعل مفعول ج. م (خبر مقدم) مبتدا مؤخر م. الیه

ترجمه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرموده است: «بزرگ‌ترین عیب، آن است که از آنچه مانند آن در خود توست، عیب جویی کنی».
کالبر شکاف: «مؤمن» اسم فاعل ثلاثی مزید و از باب «إفعال» است. • «أكبر» اسم تفضیل است. • «أكبر» در این عبارت مبتداست و خبر آن جمله «أن تعیب ما فیک مثله» است که دانستن آن در حیطه کتاب درسی نیست. • موضوع خبر مقدم (خبری که زودتر از مبتدای خود می‌آید.) و مبتدای مؤخر از کتاب درسی حذف شده است و در امتحان نهایی نمی‌آید و در اینجا صرفاً برای کامل بودن محل اعرابی جمله به آن اشاره کردیم.

تنصحننا الآیه الأولى و تقول: لا تعیبوا الآخرين. ولا تلقبوا هم بألقاب یکرهونها
فعل مفعول فاعل صفت فعل و فاعل فعل و فاعل مفعول ج. م جمله وصفیه مفعول

ترجمه آیه نخست به ما پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب جویی نکنید و به آن‌ها القاب‌هایی که ناپسند می‌دارند، ندهید.
کالبر شکاف: هرگاه مفعول، ضمیر متصل باشد و فاعل از نوع اسم بیاید، مفعول بر فاعل مقدم می‌شود (تنصحننا الآیه). • «الأولی» به معنای «اول، یکم» نخست است. • «لا» در فعل‌های «لا تعیبوا» و «لا تلقبوا» از نوع نهی است. • دقت کنید که «أل» در «ألقاب» جزئی از خود کلمه است و نشانه معرفه بودن نیست. (با موضوع معرفه و نکره در درس‌های بعد آشنا خواهید شد.)

بَشِ الْفَعْلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ وَلَمْ يَتُبْ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

ادات شرط فعل شرط مفعول جواب شرط

ترجمه بد کاری است آلوده شدن به گناه و هر کس آن را انجام دهد و توبه نکند پس او از ستمکاران است.

کالبد شکاف: جواب شرط، جمله اسمیه «هو من الظالمين» است که «هو» مبتدا و «من الظالمين» خبر آن است. • اگر بعد از مبتدا، فعل یا اسم «ه» دار وجود نداشته باشد که آن را خبر در نظر بگیریم، جار و مجرور را خبر می گیریم. • «الظالم» اسم فاعل از ثلاثی مجزء است.

حل و بررسی تمارین

تمارین متن درس

ترجمه و آنالیز جملات «اعلموا»

آسیا أكبر من أوروبا.

مبتدا خبر ج.م

ترجمه آسیا بزرگ تر از اروپاست.

کالبد شکاف: «آسیا» و «أوروبا» هر دو معرفه از نوع «عَلَم» هستند. • «أكبر» اسم تفضیل است.

آسیا أكبر قارات العالم.

مبتدا خبر م.الیه م.الیه

ترجمه آسیا بزرگ ترین قاره های جهان است.

کالبد شکاف: «العالم: جهان» را با «العالم: دانا» که اسم فاعل است، اشتباه نگیرید.

آسیا أكبر قارة في العالم.

مبتدا خبر م.الیه ج.م

ترجمه آسیا بزرگ ترین قاره در جهان است.

جبل دماوند أعلى من جبل دنا.

مبتدا م.الیه خبر ج.م م.الیه

ترجمه کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

کالبد شکاف: «دماوند» و «دنا» معرفه از نوع علم اند.

جبل دماوند أعلى جبال إيران.

مبتدا م.الیه خبر م.الیه م.الیه

ترجمه کوه دماوند بلندترین کوه های ایران است.

کالبد شکاف: «إيران» معرفه از نوع علم است.

جبل دماوند أعلى جبل في إيران.

مبتدا م.الیه خبر م.الیه ج.م

ترجمه کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

أكبر الغيب، أن تعيب ما فيك مثله. (الإمام علي عليه السلام)

مبتدا م.الیه فعل و فاعل مفعول ج.م (خبر) مبتدا م.الیه

ترجمه بزرگ ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

کالبد شکافی این جمله به صورت کامل در متن درس آمده است.

إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.

قید فعل شرط فاعل جواب شرط فاعل

ترجمه هرگاه فرومایگان (فرومایه ترها) به فرمانروایی برسند (رسیدند) شایستگان (شایسته ترها) به هلاکت می رسند (رسیدند).

کالبد شکاف: «الأراذل» و «الأفاضل» هر دو جمع مکسر و اسم تفضیل اند و مفرد آن ها به ترتیب «الأرذل» و «الأفضل» است. • این جمله، یک جمله شرطی

است و در جملات شرطی، اگر فعل و جواب شرط ماضی باشند، می توان آن ها را به صورت مضارع ترجمه کرد.

هذا أكبر من ذاك.

مبتدا خبر ج.م

ترجمه این از آن بزرگ تر است.

کالبد شکاف: «ذاك» همان «ذلك» به معنی «آن» می باشد.





مشاوره: در این قسمت باید به دنبال اسم مكان در جمله بگردید. همان طور که می دانید اسم مكان چهاروزن دارد و برامكان انجام فعل دلالت می کند و شناخت آن معمولاً کار سختی نیست.

۲۲ عَيْنِ اسم المكان في العبارات التالية:

۲۶۸. المَسَاجِدُ لِلَّهِ.
۲۷۰. زُرْنَا مَرَاقِدَ الشُّهَدَاءِ فِي الْيَوْمِ الْمَاضِي.
۲۷۲. بَعْضُ الْمَتَاجِرِ مَفْتُوحٌ إِلَى نِهَایَةِ اللَّیْلِ.
۲۷۴. «يَمَشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ»
۲۷۶. يُزَيِّنُ النَّاسُ مَقَابِرَ الشُّهَدَاءِ.
۲۷۸. مَوْعِدُنَا غَدًا جَنْبَ سَاحِلِ الْبَحْرِ.
۲۸۰. اشْتَرَى وَالِدِي جَوَالًا مِنَ الْمَتَجَرِّ.
۲۸۲. الْحُصُولُ عَلَى الذَّهَبِ مِنَ الْمَعَادِنِ صَعْبٌ.
۲۸۴. قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا.
۲۸۶. رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ.
۲۶۹. سُحِّلَتْ مَكْتَبَةُ «جُنْدِي سَابور» فِي قَائِمَةِ الثَّرَائِ الْعَالَمِيِّ.
۲۷۱. الْعُمَالُ ذَهَبُوا إِلَى الْمَصْنَعِ.
۲۷۳. ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي إِلَى مَلْعَبِ الْمَدِينَةِ.
۲۷۵. أُسْرِعَ عَلَيَّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.
۲۷۷. رَأَيْتُ مَكْتَبَةَ فِي مَدِينَتِنَا. كَانَتْ مِنْ أَكْبَرِ مَكَاتِبِ الْعَالَمِ.
۲۷۹. ذَهَبْتُ نَحْوَ الْمَطَاعِمِ الَّتِي شَاهَدْتُهَا فِي طَرِيقِي.
(خرداد ۱۴۰۲) ۲۸۱. نَحْنُ نَأْكُلُ الْفُطُورَ فِي الْمَطْبَخِ.
۲۸۳. سَيَّارَتُنَا فِي مَوْقِفٍ تَصْلِيحِ السَّيَّارَاتِ.
۲۸۵. نَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ النَّفْطَ إِلَى الْمَخَازِنِ.

قواعد پایه (۲۶ سؤال)

مشاوره: با توجه به اهمیت پایه ای که غالباً مربوط به کلیات فعل و اسم و تقسیم بندی های مختلف آن است، در ادامه تمرین هایی را می بینیم که برای جمع بندی مطالب درسی به شما کمک می کند، پس با توجه به اطلاعات پایه ای خودتان به سؤالات جواب دهید.

۲۳ اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمُفْرَدَاتِ:

- | | | |
|-------------------|---|---|
| ۲۸۷. أموات: | ☐ الف) الجمع السالم للمؤنث | ☐ ب) الجمع المكثر |
| ۲۸۸. بهائم: | ☐ الف) المذكر | ☐ ب) المؤنث |
| ۲۸۹. عشرين: | ☐ الف) المثنى | ☐ ب) الجمع السالم للمذكر |
| ۲۹۰. ثواب: | ☐ الف) اسم الفاعل | ☐ ب) اسم المبالغة |
| ۲۹۱. مُحَاوَلَةٌ: | ☐ الف) اسم المفعول | ☐ ب) المصدر والمفرد |
| ۲۹۲. كباير: | ☐ الف) المذكر | ☐ ب) المؤنث |
| ۲۹۳. أنفس: | ☐ الف) المذكر | ☐ ب) المؤنث |
| ۲۹۴. إستهزاء: | ☐ الف) الإسم | ☐ ب) الفعل الماضي |
| ۲۹۵. تَجَسَّسَ: | ☐ الف) الفعل المضارع | ☐ ب) الفعل الماضي |
| ۲۹۶. إيمان: | ☐ الف) المثنى | ☐ ب) المفرد |
| ۲۹۷. آخرة: | ☐ الف) اسم الفاعل | ☐ ب) اسم التفضيل |
| ۲۹۸. فساتين: | ☐ الف) الجمع المكثر | ☐ ب) الجمع السالم |
| ۲۹۹. أراء: | ☐ الف) الفعل الأمر | ☐ ب) الفعل الماضي |

۲۴ اكتب العمليات الحسابية التالية بالأعداد:

۳۰۰. خَمْسَةٌ فِي أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَخَمْسِينَ.
۳۰۲. اِثْنَانِ وَتِسْعُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي سِتَّةً وَأَرْبَعِينَ.
۳۰۴. سَبْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرِينَ يُسَاوِي خَمْسِينَ.
۳۰۶. ثَلَاثَةٌ وَخَمْسُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَلَاثَةً وَأَرْبَعِينَ.
۳۰۸. عَشْرُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي تِسْعَةً.
۳۰۱. ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي اَرْبَعِينَ.
۳۰۳. خَمْسَةٌ وَسَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةً وَعَشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.
۳۰۵. وَاحِدٌ وَعِشْرُونَ فِي وَاحِدٍ يُسَاوِي وَاحِدًا وَعِشْرِينَ.
۳۰۷. ثَلَاثَةُ عَشَرَ فِي اَرْبَعَةٍ يُسَاوِي اِثْنَيْنِ وَخَمْسِينَ.
۳۰۹. ثَمَانِيَةٌ وَعِشْرُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى سَبْعَةٍ يُسَاوِي اَرْبَعَةً.